

عدم خروج آمریکا از عراق و گسترش ناتو اشغالگری جدید به سبک ترامپ! تحلیلگر سرشناس عرب با اشاره به مخالفت واشنگتن با درخواست رسمی دولت عراق مبنی بر خروج فوری نظامیان آمریکا از این کشور، گفت که مخالفت با این درخواست و اظهارات وزیر خارجه آمریکا درباره گسترش طرح مأموریت ناتو در خاک عراق، اشغالگری جدیدی را ایجاد می کند. عبدالباری عطوان، تحلیلگر سرشناس جهان عرب و سردبیر روزنامه فرانطقه ای رای الیوم در یادداشتی که در این روزنامه منتشر شد با اشاره به موضوع خروج نظامیان آمریکا از عراق، نوشت: دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا حق ندارد که در خواست رسمی دولت عراق مبنی بر خروج تمامی نیروهای آمریکایی از عراق را رد کند؛ چرا که این مخالفت مغایر با تصمیم پارلمان و توافقنامه امضا شده میان دو طرف است که بستر قانونی برای استقرار ۵۳۰۰ سرباز آمریکایی در عراق را جهت ارائه خدمات آموزشی و کمک به روند مقابله با داعش فراهم کرده است. عراق دیگر به این کمک از سوی یک کشور متجاوز و اشغالگر نیاز ندارد و داعش نیز فروپاشیده است. خطر ناک تر از این امتناع که بر وجود اهداف خصمانه بلندمدت آمریکا در قبال عراق و سراسر منطقه تأکید دارد، دو موضوع اصلی است: ۱- اظهارات مایک پامپئو، وزیر خارجه آمریکا درباره بررسی طرح گسترش حضور ناتو در عراق یعنی اعزام نیروها و مکانیزم های جدید در به چالش کشیدن پارلمان و دولت عراق و همچنین تکرار تهاجم قبلی به بهانه های دروغین جدید. ۲- مصاحبه ترامپ با شبکه مورد علاقه اش یعنی فاکس نیوز که در آن گفت: دولت عراق اگر می خواهد نیروهای آمریکایی از این کشور خارج شوند، باید هزینه این درخواست را پرداخت کند؛ چرا که در غیر این صورت در این کشور باقی خواهیم ماند.

درباره مورد اول، یعنی مخالفت دولت آمریکا با درخواست رسمی عراق برای خروج و پاسخ وقیحانه آمریکا مبنی بر بررسی طرح گسترش حضور ناتو می توان اینگونه گفت که آمریکا همچنان با عراق به عنوان یک قدرت اشغالگر سر و کار دارد، به حاکمیت عراق هیچ توجهی نمی کند و دولتی را که بعد از تهاجم به عراق بر مردم این کشور تحمیل کرد را به رسمیت نمی شناسد.



عادل عبدالمهدی، نخست وزیر مستعفی عراق زمانی که به آمریکایی ها هشدار داد که بدون اجازه دولت عراق نیروها و تجهیزات شان را به این کشور وارد نکنند و بالگردهای واشنگتن در آسمان عراق پرواز نکنند، برحق بود؛ چرا که چنین اقداماتی توهین به کشور و ملت عراق است، طوری که پیش از آن نیز اقدام مشابهی انجام شده بود و رئیس جمهوری آمریکا و وزیر خارجه این کشور بدون اطلاع قبلی به دولت عراق در جریان تعطیلات کریسمس وارد خاک عراق شده و از پایگاه عین الاسد بازدید کردند، این بدان معناست که دست کم گرفتن دولت عراق ز آینده حوادث اخیر نیست، اما در خصوص نکته دوم، یعنی درخواست ترامپ از دولت عراق مبنی بر پرداخت هزینه های تهاجم و اشغال آمریکا به این کشور باید گفت که این درخواست بیانگر «ناچیز شمردن» عراق و همچنین اهانت به عقل بشری است، چرا که تهاجم و پس از آن اشغالگری نه تنها به درخواست عراق انجام نشده است، بلکه تجاوزی است که به بهانه های کاذب صورت گرفته است و طرفی که باید هزینه به عراقی ها بپردازد آمریکای اشغالگر است که جدایی از تحمیل ۱۲ سال محاصره علیه عراق، باعث کنشته شدن بیش از دو میلیون عراقی، چه در پی قحطی و چه به دلیل حملات و بمباران های موشکی و شیمیایی شده است، طوری که تاثیرات سرطانی این حملات اورانومی همچنان جان هزاران بیمار عراقی را می گیرد. این امریکاست که چه به دلیل اشغالگری و یا خروج از توافق هسته ای با ایران به تحریک اسرائیل و چه با ترور قاسم سلیمانی، و دوست او ابومهدی المهندس، چنین بحران هایی را ایجاد کرده که هر روز در منطقه نمایان می شوند.

## گزارش «توسعه ایرانی» از نقش ترکیه در برقراری آتش بس شکننده لیبی

# حفر، تامین کننده ناخواسته منافع آنکارا؟!!



شیراز گلزاری

بازی «قدرت ها» در عرصه سیاست بین الملل یکی از موضوعاتی است که اگر بگوییم قدمت آن به طول تاریخ بشریت است، گرافه گویی نکرده ایم. از قدیم الایام که امپراطوری های مختلف به دنبال فتح و ظفرهای مختلف و گسترش آن در محیط خود بودند این بازی قدرت را به صورت علنی مشاهده می کنیم و حالا هم که نظام تکی چند قطبی بر سراسر جهان حکمفرماست، در حال تجربه همین روال به گونه های دیگر هستیم. اگر نگاهی گذرا به منازعات و مخاصمات بین المللی (به خصوص مخاصمات مسلحانه) طی یک دهه اخیر ببیندازیم به وضوح می بینیم، این قدرت های سطح اول دنیا هستند که یک به هم ریختگی را شروع یا اسباب و وسایل آن را تحریک و مهیامی کنند و پس از به وجود آمدن وضعیت بحرانی خود را به کنار می کشند و فرستاده های شان را زیر چتر رسانه ای ایجاد شده توسط خودشان به منطقه بحران اعزام می کنند تا با به تصویر کشیدن یک کنشگری مثبت از خود

توانند در نهایت منافع مورد نظرشان را تامین و تأیید کنند. نمونه این موضوع را امروز می توان در سوریه، عراق، افغانستان و حتی لبنان به چشم دید. اینکه ۱۳۷ گروه تروریستی ریز و درشت در یک چشم بهم زدن در سوریه فعال می شوند و پس از آن تصویر هزاران کشته، زخمی و نابسامانی توسط رسانه ها به افکار عمومی تزریق می شود و پس از آن کانال های سیاسی با برچسب مداخله صلح جو یا نه فعال می شود، این پیام را در عالم سیاست مخابره می کند که «اگر قدرت های بزرگتر نخواهند، قدرت های میان سطح و کوچکتر» از گردونه بازی حذف می شوند!

**روسیه، وزنه تعادل لیبی**  
با این پیش فرض اگر به تحولات اخیر لیبی نگاه بیندازیم، چندین بازیگر در سطوح مختلف با گرایش های متفاوت ایدئولوژیک و رسم الخط سیاسی مختص به خود را مشاهده می کنیم. ماجرای فعلی در لیبی از چهارم آوریل سال ۲۰۱۹ میلادی شروع شد. در آن زمان «ژنرال خلیفه حفتر» که فرماندهی نیروهای موسوم به ارتش ملی لیبی را به عهده دارد با صدور بیانیه ای از شهر طبرق اعلام کرد قصد دارد

عملیات گسترده ای را علیه طرابلس برای «پاکسازی تروریست ها» آغاز کند. در همینجا کاملاً مشخص شد که باز هم استفاده از واژه تروریسم است که به باز پیچه حفتر تبدیل شده تا بتواند منافع قدرت های منطقه ای و فرماندهی های که در پشت وی صف کشیده اند را تامین کنند. او یک نظامی اتوکشیده با قند بلند و نگاهی نافذ است که طرفداران و نیروهایش را با یک غرور توأم می کند. حفتر در اواخر دهه ۸۰ میلادی به دلیل اختلاف با قذافی، دیکتاتور سابق لیبی را تنها گذاشت و مدتی را در آمریکا اقامت داشت. در این مدت با روس ها هم در ارتباط بود اما گویا دو قدرت (روسیه و ایالات

متحده) او را برای سناریوی خود در پستوی امن قرار داده بودند؛ چرا که پس از سقوط قذافی، این حفتر بود که با یک پرواز وارد خاک لیبی شد و نهایتاً طبرق را برای اقامت خود برگزید. هیچکس در آن زمان نمی دانست که حفتر برای چه هدفی وارد لیبی شده است و تنها در مصاحبه ای اعلام کرده بود که برای آزادی و سربلندی لیبی وارد کشورش شده است. پس از همین اظهارات بود که یکباره پرچم های سیه رنگ خلافت داعش در شمال لیبی (شهر سرت) به اهتزاز درآمد.

داعش (پس از عراق و سوریه) را در هم بشکنند. در آنجا بود که حفتر به عنوان قهرمان ملی در لیبی معروف شد. همین موضوع پیوندهای روسیه با وی و حتی آمریکایی ها را در چندین کرد و لی در طرابلس اوضاع به صورت دیگری در حال رقم خوردن بود. در آن زمان، دولت وفاق ملی به رهبری «فائز السراج» که اتفاقاً تحت تأیید و حمایت سازمان ملل متحد بود روی کار آمد و در اینجا بود که همه چیز به هم ریخت.

ایدئولوژی دولت وفاق ملی دقیقاً بر خلاف حامیان حفتر (عربستان، امارات، مصر / به غیر از روسیه) بود و در اینجا قطب بندی ها شروع به شکل گرفتن کرد. ترکیه و قطر به عنوان کشورهای که ایدئولوژی اخوانی را با خود حمل می کنند وارد این قطب بندی شدند و در اینجا رسانه های متعلق به دولت وفاق ملی که منتصب به جریان اخوان المسلمین بودند، دست به تحریک ترکیه زدند. آنها مدام با برجسته کردن وجهه ایدئولوژیک درگیری میان طرابلس و طبرق آنکارا را به جایی رساندند که نه تنها موضع دست به اعزام نیرو زد؛ اما روسیه همچنان تماشاچی بود و آمریکا هم از طریق منابع، مخبرین و خصوصاً سفارتش در لیبی اوضاع را رصد می کرد!

**حفتر واروغان:**  
**دوبازی، یک زمین**  
اینکه دیده می شود ترکیه متعهد به پشتیبانی از دولت فائز السراج در طرابلس می شود و حتی دست به اعزام نیروهای تحت حمایت خود (تروریست های ارتش آزاد سوریه) به طرابلس می زند، نشان می دهد که آنکارا و در رأس آن اردوغان، طرحی را مهندسی کرده که ستون فقرات آن را منافع مالی (خصوصاً حوزه انرژی) طرابلس و حتی کشورهای اخیر در بر می گیرد و حاضر است برای آن دست به هر کاری بزند و هر توافقی را امضاء کند. اینکه دیده می شود اردوغان پس از سفر پوتین به ترکیه برای افتتاح پروژه خط لوله «ترک استریم» و

**اینکه دیده می شود اردوغان پس از سفر پوتین به ترکیه برای افتتاح پروژه خط لوله «ترک استریم» و گفت و گویا او پشت درهای بسته یکباره آتش بس لیبی را می پذیرد و موضع تند خود نسبت به خلیفه حفتر را تقلیل می دهد، نشان دهنده یک توافق در پشت پرده است. اگر به تیتیر رسانه های ترکیه (روزنامه ینی شفق یا کانال آ خبر) طی چند روز اخیر نگاهی گذرا بیاندازیم به خوبی می بینیم که حتی آنها هم میزان حمله خود به حفتر را تقلیل داده اند. از سوی دیگر، وزارت دفاع ترکیه روز گذشته (یکشنبه) رسماً اعلام کرد که آتش بس اجرا شده و هیچکدام از طرفین آن را نقض نکرده اند. عقب نشینی ترکیه و اینکه وزیر خارجه این کشور می گوید «نمی توانیم حفتر را نادیده بگیریم»، دلایل مهمتری دارد. سفر راشد الغنوشی رئیس پارلمان تونس (به عنوان کسی که نگاه نزدیک به اردوغان و گفتمان حزب عدالت و توسعه دارد) به ترکیه بعلاوه ورود شیرلی بوچجاوی (وزیر امور خارجه غنا) به آنکارا و همچنین دیدار جوزپه کونته (نخست وزیر ایتالیا) با اردوغان که قرار است امروز (دوشنبه) انجام شود، نشان می دهد که ترکیه دست به قمار می زند که اگر حفتر به دولت طرابلس حمله و نمی شود، به هیچ وجه شکل نمی گرفت؛ درست است که روسیه و ترکیه در لیبی با یکدیگر در تضاد هستند اما فعل و انفعالات مذکور نشان داد که حفتر (به صورت غیر مستقیم و ناخواسته) و روسیه (به صورت مستقیم) مجبور به تامین منافع آنکارا شدند.**

**خبر**  
**در خلال پیشروی ارتش سوریه رخ داد:**  
**حمله راکتی تروریست ها به دو فرودگاه در حلب**

یک منبع نظامی سوری از حمله راکتی تروریست ها به اطراف فرودگاه بین المللی حلب و فرودگاه نظامی النیرب خبر داد. به نوشته روزنامه فرانطقه ای رای الیوم، یک منبع نظامی سوری اعلام کرد که گروه های تروریستی اطراف فرودگاه بین المللی حلب و فرودگاه نظامی النیرب را در این شهر سوریه هدف حملات راکتی قرار دادند. طبق گفته این منبع، همچنین دهها تن از نیروهای ارتش سوریه توسط این گروه ها به اسارت گرفته شدند. این حملات راکتی عناصر تروریستی در حالی صورت می گیرد که پنجشنبه ترکیه و روسیه در استانبول بر سر آتش بس در ادلب توافق کرده بودند و این توافق از نهم ژانویه نیز به مرحله اجرا در آمده است. در همین راستا، یکی از سرکرده های تروریست های ارتش آزاد سوریه مورد حمایت ترکیه از حمله عناصر این گروه به مرکز

**خبر**  
**بر اساس نظر سنجی بی.ام.جی مشخص شد:**  
**اکثر شهروندان بریتانیایی مخالف اجرای برگزیت هستند**

نظر سنجی جدیدی نشان می دهد، بوریس جانسون در شرایطی قصد دارد بریتانیا را از اتحادیه اروپا خارج کند که اکثریت شرکت کنندگان در این سنجش خواستار ماندن هستند. نظر سنجی بی.ام.جی (BMG) برای روزنامه ایندپندنت نشان می دهد، کمتر از سه هفته مانده به برگزیت در ۳۱ ژانویه، شرکت کنندگان در این تحقیق ۴۸ به ۴۸ درصد موافق ماندن در اتحادیه اروپا هستند. شرکت کنندگان همچنین انتظار دارند برگزیت در دو سال آتی اثرات مخربی بر اقتصاد، سیستم بهداشت، اتحاد بریتانیا و جایگاه بریتانیا در جهان بر جای بگذارد. ۲۹ درصد از پرسش شوندگان انتظار پیشامد بدترین اتفاق بعد از خروج از اتحادیه اروپا را دارند، در حالی که تنها ۱۵ درصد پیش بینی می کنند وضعیت مالی شان ارتقا یابد. بیش از چهار تن از ۱۰ تن خواستار فرصتی هستند تا مجدداً به اتحادیه اروپا

**ادامه تظاهرات لبنانی ها علیه وضعیت اقتصادی**

صدها لبنانی با سردادن شعار «هرگز بهایی نمی دهیم» علیه وضعیت اقتصادی تظاهرات کردند. به گزارش شبکه خبری اسکای نیوز، صدها لبنانی شنبه در بیروت در اعتراض به قطعی برق در مقابل سازمان برق تجمع کردند. آن ها همچنین در مقابل جمعیت بانک ها تجمع کرده و بعد به سمت مقر پارلمان رفتند. معترضان پلاکاردهایی را در دست داشتند که روی آن این عبارات نوشته شده بود: «ای جنایتکاران، کشور در حال فروپاشی است دولتی مستقل و طرحی برای نجات می خواهیم و بهایی نمی دهیم». این اعتراضات در صیدا، النبطیه و طرابلس نیز برگزار شد. اعتراضات در لبنان از ۱۱۷ آغاز شده است و معترضان علیه طبقه سیاسی حاکم و وخامت اوضاع اقتصادی تظاهرات می کنند. بعد از ناتوانی مسئولان در انجام اصلاحات ریشه ای لبنان از چند ماه پیش شاهد بدترین بحران اقتصادی در طول تاریخ این کشور است. معترضان خواهان تسریع در تشکیل دولت مستقل برای حل مشکلات اقتصادی هستند.

**نظامیان عربستان از آمریکا اخراج می شوند!**

رسانه آمریکایی مدعی شد به دنبال حادثه کشتار پایگاه فلوریدا که به دست یک نظامی تحت آموزش سعودی رقم خورد، سایر نظامیان این کشور از آمریکا اخراج شوند. به گزارش سی.ان.ان در گزارشی به نقل از منابع آگاه از قصد آمریکا برای اخراج دهها نظامی سعودی تحت آموزش در این کشور در واکنش به حادثه مرگباری که در ماه میلادی دسامبر در پایگاه دریایی فلوریدا رقم خورد، خبر داد. در این تیراندازی مرگبار که عامل آن «محمد الشمرانی» ۲۱ ساله از نظامیان تحت آموزش سعودی معرفی شد؛ ۳ تن کشته و ۸ تن دیگر زخمی شدند. البته به گفته سی.ان.ان اخراج نظامیان سعودی به معنای همدستی آنها در ماجرای اخیر که در پایگاه «پنساکولا» رخ داد؛ نیست. تاکنون افبی.ای، وزارت دادگستری و پنتاگون به گزارش این رسانه آمریکایی واکنشی نشان نداده اند؛ حال آنکه وزارت دفاع آمریکا ۴ روز پس از حادثه، آموزش نظامیان سعودی را تعلیق کرد.